

تازه‌ها و گوشه‌های ایران‌شناسی

روزهای نسخه‌شناسی

۲۸

«روزهای نسخه‌شناسی و شناخت خطوط در نسخه‌های خطی خاورمیانه»، با همکاری کتابخانه ملی فرانسه و بخش علوم تاریخی و زبان‌شناسی مدرسه مطالعات عالی (سوربن) در شهر پاریس تشکیل شد، و سی‌تن که بیشتر از فرانسه، کانادا، ایتالیا، امریکا، آلمان، بلژیک، دانمارک، انگلستان بودند بدان مجمع دعوت شده بودند و از آن میان چهار نفر از هندوستان، ترکیه و یمن و ایران. این جلسات در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ خرداد ۱۳۷۳ در یکی از تالارهای کتابخانه ملی که به نام کلبر Colbert است برگزار شد. مدیریت علمی برگزاری مجمع با Deroche و ف. ریشارد بود. این دو امروز در فرانسه در نسخه‌شناسی عربی و فارسی متخصص و شاخص‌اند.

نخستین جلسه، با چند کلمه موقرانه و مختصری که بانویی سخن‌آور و کاردان گفت آغاز شد. جلسات علمی و تخصصی همین است که بی‌پیرایه باشد. بی‌مقدمه و زائده تشریفاتی به اصل سخن روی آورده شود. هر خطابه حدود بیست دقیقه مدت می‌گرفت. فهرست و شمه‌ای از آنچه گفته شد چنین است:

B. Martel-Thoumian: خرید و گرده‌آوری نسخه‌های خطی پیشین در کتابخانه ظاهریه

دمشق میان سالهای ۱۹۴۳-۱۹۷۲. خلاصه مطلب این بود که ۴۶ نسخه بخششی و ۲۷۸

نسخه خریداری بر مجموعه کتابخانه افزوده شده است.

S. T. Rasmussen: تاریخچه مطالعات شرق‌شناسی در دانمارک.

- مؤسسه مطالعات ایرانی در ۱۹۶۱ تأسیس شده

- آرتو کریستن سن ۱۵۲ نسخه فارسی و ۱۰۰ نسخه عربی در سالهای ۱۹۱۳-۱۹۱۴ از ایران تهیه کرده و به دانمارک آورده بوده است.

- تعداد نسخ خطی فارسی چیزی نزدیک به دویست و پنجاه نسخه است.

- همه نسخه‌های خطی شرقی از کتابخانه‌ها و مجموعه‌های مختلف به کتابخانه پادشاهی منتقل شده است.

علیرضا بیدار (هند): کتابخانه‌های دارای نسخه خطی در هندوستان.

- کلیاتی درباره کتابخانه‌ها و مجموعه‌های هندوستان.

- جلساتی که در هند برای معرفی کلی انجام شده در زمینه‌های عرفان، پزشکی، علوم قرآنی و

تاریخ هندوستان بوده است.

D. Kouymjian: آلبوم خطوط ارمنی. مجموعه‌ای است که خطابه‌گو به همکاری چند

محقق دیگر به تنظیم آن پرداخته است. در این سخنرانی تاریخچه خطوط ارمنی و تحولات آن را

بیان و نمونه‌هایی ارائه کرد.

M. I. Waley: محمد عیسی ولی رئیس بخش نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه بریتانیا

سخنش درباره تذهیب و نقش و نگارها و تأثیر آنها در نسخه‌های خطی اسلامی بود و بیشتر

نمونه‌هایی که نشان داد از نسخه‌های خطی فارسی بود.

F. Richard: فرانسیس ریشارد مسئول نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس

که چندسال پیش نخستین جلد فهرست آنجا را منتشر کرد به معرفی عده‌ای از کاغذهای رنگ شده

که در کتابخانه مذکور موجود است پرداخت و آنها را به دسته‌بندی سنواتی و نوعی درآورد.

G. Colas: کولاس، محقق جوان مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه، از نسخه‌های خطی که

توسط هیأت‌های فرقه ژرژوتینی به فرانسه فرستاده شده است صحبت کرد و نشان داد در چه دوره‌ها و

به چه وسیله نسخه‌ها تهیه و ارسال می‌شده است.

A. Boud'hors: نوعی از خط قبطی در مصر علیا.

U. Dreibholz: نکته‌هایی درباره جلد‌های اسلامی دیرینه که در صنعا دیده شده است.

A. Gacek: ایشان که لهستانی است در دانشگاه مونرآل (کانادا) تاریخ هنر اسلامی تدریس

می‌کند. موضوع سخن او آموزش هنر صحافی در سرزمین‌های اسلامی بود و رساله‌ای عربی را که

در صنعا دیده است معرفی کرد.

G. Humbert: «جزء» در نسخه‌های خطی عربی قرون وسطی.

V. Colombo: نظریه‌ای درباره منشأ بازگرد «الف» در خط حجازی

V. Colomilio: از آرامی به عربی

M. G. Guesdon: رکلام در نسخه‌های خطی عربی پس از ۱۴۵۰ میلادی

P. Orsatti: رابطه نسخه خطی و متن تألیف و مناسبات میان آن دو

ایرج افشار: «عرض» در برگ‌برنده اطلاعات نسخه‌شناسی -

A.M. Piemontese: گونه‌شناسی «خاتمه» در نسخه‌های خطی فارسی
 رمضان ششن (ترکیه): اهمیت «خاتمه» نسخه در تاریخ فرهنگی
 G. Troupeam: «خاتمه» نسخه‌های متون مسیحی عربی
 رج. خوری (آلمان): مراکز مهم نگاهداری نسخ خطی عربی در قرون اول و دوم هجری
 A. Sidarous: نسخه‌ای از صرف و نحو یونانی - قبطی - عربی
 A. Sidarous: کاتب چلبی و روش تحریر او
 M. Dukan-c. Sirat: انجیلهای به خط عبری از سرزمینهای اسلامی از جمله نسخه‌ای که
 در سال ۹۰۳ در ایران نوشته شده.

P. Géhin: نسخه خطی دو زبانه یونانی عربی از سال ۱۰۴۳
 C. P. Haase: نسخه قدیمی از متن دربانوردی پیری رئیس
 بطور کلی هشت سخنرانی در توصیف اجزاء نسخه خطی، چهار تا درباره میراث عرب و
 چهار تا کلیات، دوتا درباره نسخه‌های قبطی، دوتا درباره نسخه‌های عبری، دوتا درباره خط، دوتا
 درباره صحافی، یکی درباره نسخه‌های فارسی، یکی درباره نسخه‌های ارمنی، یکی درباره نسخه
 ترکی انجام شد.

سمینارهای نسخه خطی

در پاریس با علی‌رضا بیدار تجدید دیدار شد. بیدار رئیس کتابخانه مشهور خدابخش شهر
 پنته هندوستان است. اسمی است باصمعی. بیدارست و هشیار. با بایش است و سراسر کوشش. مجله
 مفید و پراز اطلاع «خدابخش لایبریری جرنل» را از سوی آن کتابخانه منتشر می‌کند. در شناخت
 نسخه‌های خطی از متخصصان کنونی در هندوستان است. سخنرانی دلپذیر و شنیدنی او درباره
 میزانی که برای جهان از نسخه‌های خطی در هندوستان برجای مانده است حکایت از اشراف و
 بصیرت او داشت.

از خدمات باارزش و ابتکاری او که در سالهای اخیر در کتابخانه خدابخش انجام گرفت
 برگزاری پنج مجمع علمی درباره نسخه‌های خطی بود که در هر یک از آنها دو سه نسخه‌شناس از
 ممالک دیگر و عده کثیری دانشمند از هند شرکت کرده بودند.

سمینارهای مذکور عبارت بود از: نسخه‌های خطی تصوف و عرفان (یکصد و پنج دانشمند
 هندی و چند دانشمند از کشورهای سوریه، مراکش، اردن، بنگلادش و پاکستان) - نسخه‌های خطی
 پزشکی (پنجاه دانشمند هند و سه پاکستانی)، نسخه‌های خطی اردو (پنجاه دانشمند پاکستانی و
 یکصد و دوازده تن از هند)، نسخه‌های خطی تاریخ هندوستان (یکصد و بیست و دو نفر از
 هندوستان)، نسخه‌های خطی علوم قرآنی (چهل و پنج دانشمند هندی و پنج تن از پاکستان و یکی از
 بنگلادش و یکی از کویت و دوتن از دوبی).

درگذشت لوئی وان دنبرگ

وان دنبرگ بلژیکی استاد رشته باستانشناسی ایران در دانشگاه گنت (گان) کشور بلژیک چند ماه قبل درگذشت. کسانی که به رشته باستانشناسی، یعنی غیر داستانی واقعی ایران در روزگاران باستان تا فتوح اسلامی علاقه‌مندی دارند خوب می‌دانند که وان‌دنبرگ حق عظیمی در پیشرفت و گسترش این رشته دارد. آنچه او در این راه انجام داد همه تازه و متخصصانه و ناشی از دیدن‌ها و دوندگی‌های محلی بود. کتاب مشهور او باستانشناسی ایران است به زبان فرانسه و همان است که مرحوم دکتر عیسی بهنام ترجمه کرد و در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد. اتفاقاً موقعی که این کتاب به چاپ می‌رسید وان دنبرگ در ایران بود و این سوی و آن سوی پهن‌دشت فارس، در پی یافتن «پی‌وپوده» آتشگاه‌ها بود، ولی گاه‌گاه با تلفن به دانشگاه تلفن می‌کرد و جوایز و وضع چاپ کتاب می‌شد و اصراری داشت که تصویرهای کتاب حتماً روی کاغذ مناسب چاپ شود.

او چندسالی به تناوب در ایران به تجسس اشتغال داشت و چون در بلژیک مستقر شد و مقام و رتبه علمی خوبی را که محقق بوده بدست آورد با همی کم‌نظیر مجله *Iranica Antiqua* را که خاص انتشار مقالات باستانشناسی و گاهی تاریخی و زبان‌شناسی مرتبط با باستانشناسی بود منتشر کرد. سالی دو شماره به چاپ می‌رسید و انتشارات مشهور بریل (در هلند) ناشر آن بود. این مجله تا دو سه سال پیش که برایم می‌رسید منتشر می‌شد و شاید هنوز هم می‌شود. در چندسال اخیر دستیار و همکار وان دنبرگ موسوم به در انتشار مجله همکاری داشت. این شخص هموست که چندسال پیش همت کرد و جشن‌نامه‌ای در دو جلد حجیم برای مرپی و دوست خود منتشر ساخت. درین جشن‌نامه حدود پنجاه مقاله مهم در زمینه‌های مختلف باستانشناسی ایران درج شده است.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالیفات علوم انسانی

دو متخصص جوان نسخه‌های خطی

در ده سال اخیر دو متخصص نسخه‌شناسی در کشورهای فرانسه و ایتالیا تربیت شده‌اند که آینده درخشانی در پیش دارند. آنچه تا به حال از آنها خواننده‌ام و آنچه در دیدارها از زبان آنها شنیده‌ام همه حکایت از آن دارد که این دو جوان از کسانی‌اند که رشته شناخت نسخه خطی را از لحاظ دقیق فنی و نکات اختصاصی پیشرفت می‌دهند و ما را از مطالب و فوایدی آگاه می‌کنند که پیش ازین فهرست نگاران و نسخه‌شناسان توجه چندانی بدان نداشته‌اند.

آنکه فرانسوی است، نامش Yves Portes است. تحصیلات ایران‌شناسی را در پاریس دید و چون به تجسس در نسخه خطی و صحافی و کاغذشناسی علاقه‌مند بود مدتی به هندوستان رفت و در آنجا توانست اطلاعات خوبی به دست آورد که در تکمیل رساله‌اش مفید افتاد. کتابش به نام «هنر کتاب» چندی است توسط انجمن ایران‌شناسی فرانسه انتشار یافته و اثری است که در نوع خود ممتاز است.

البته در میان اروپاییان، پیش از پورتر، نشی چند جستگريخته به همین گونه مباحث پرداخته‌اند و نامه‌های کراباجک، پدرسن، بلوشه، گروهمان که هر یک دقت‌های زیادی درباره کاغذ و خط و صحافی و دیگر گوشه‌های هنر کتاب کرده‌اند هیچ‌گاه از یاد نخواهد رفت.

اما آنکه ایتالیایی است بانویی است که در رم زندگی می‌کند و چندسالی است که مقاله‌های دقیق و خوب از او در زمینه نسخه‌های خطی مخصوصاً فازی منتشر می‌شود. سخنرانی‌هایی که در دو سمینار نظام و قواعد نسخه‌های خطی در رم و پاریس ایراد کرده نشانه‌ای است از برجستگی او در راهی که در پیش دارد. علاقه‌مندی او بدین رشته تا حدود زیادی نتیجه آموزشی است که از استاد خود انجلو پیه‌مونتسه دیده است. می‌دانیم که پیه‌مونتسه استاد ایرانشناس در ایتالیا و رایزن فرهنگی پیشین ایتالیا در ایران کسی است که فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های همه شهرهای ایتالیا را چندسال پیش به بهترین صورت انتشار داد و هموست که شاهنامه خطی کتابخانه فلورانس (مورخ ۶۴) را شناساند و در حقیقت «کاشف» آن نسخه بی‌نظیر بود. نسخه‌ای هم مصور از منطق الطیر معرفی کرد که از نفایس روزگارست و قرارست بصورت عکسی منتشر شود.

باری صحبت از خانم ایتالیایی بود که یادم رفت نامش را در آغاز بیاورم. نام از P. Orsatti است. جوان است و جویای پژوهش خوب آمده و آنچه کرده دال بر توفیق اوست. بهترست نگاهی اجمالی به دو مقاله او ببینیم. یکی از دو مقاله که عنوانش خصایل جنبی و نوعی نسخه‌های خطی اسلامی است متن سخنرانی او در مجمع «مواد و فنون کتاب در قرون وسطی» است که در سال ۱۹۹۳ در واتیکان به ابتکار کتابخانه آنجا تشکیل شد. اورساتی در این مقاله به این مباحث پرداخته است: کتاب در سرزمینهای اسلامی و کاغذ و آرایش آنها - نسخ عربی نوشته شده در اسپانیا - نسخه‌های خطی روی پوست (غیر قرآنها) - نسخ خطی روی کاغذ (غیر قرآنها) - نسخه‌های افریقای شمالی - اجزای کتاب - سطر بندی - قطع - اندازه و تعداد سطور - کاغذ و مرکب در غیر قرآنها - صفحه‌آرایی و سطر بندی نسخه‌های خطی فارسی - شرق و غرب و راه‌های قاعده‌یابی نسخ خطی اسلامی. مقاله دیگر او درباره مسایل و روش مطالعه خط شناسی عربی است که در جلد چهاردهم Scrittura e Civiltà (۱۹۹۰) به چاپ رسیده است.

باید دانست که او مقاله‌هایی هم درباره لسان‌الشعرا (فرهنگی از تألیفات هندیان) و قصه آدم در تفسیر سوراآبادی نوشته است.

بیت‌المال و مال هموم

اخیراً بعضی از کتابخانه‌هایی که دارای نسخه خطی هستند به اکراه و ضنت اجازه استفاده از نسخه خطی می‌دهند، چون آن را بیت‌المال می‌دانند. اگرچه واقف نسخه مقصودش آن بوده است که همگان از آن بهره ببرند. این بلیه در زمان عباس اقبال و ملک‌الشعراى بهار هم بوده است و مقاله‌ای که عباس اقبال در مجله یادگار نوشت حکایت تامی از وجود این روحیه و رویه دارد. خوشبختانه دکتر مهدی محقق با توانایی و استواری در مجلس بزرگداشت محمدتقی دانش‌پژوه متذکر عیب این ترتیب شد و از زعمای امور خواست که کتابخانه‌ها را به اصولی که باید هدایت کنند.

چندی از مجلس مذکور نگذشته بود که جزوه تازه طرز استفاده از نسخ خطی شرقی کتابخانه ملی پاریس به دستم رسید و دریافتم چگونه کتابخانه‌ها در پروریدن و بالیدن محققان مساعدت می‌کنند.

نزهة العقول فی لطائف الفصول

سال گذشته در مصحبتی دوست دیرین دکتر اصغر مهدوی به هنگام دیدن بازمانده کتابهای خطی مرحوم حسین رهنما (داماد مرحوم عبدالعظیم خان قریب) به نسخه کتابی فارسی برخوردی که نامش را نشنیده بودم^۱ و چون به مراجع دست اول شناسایی کتابهای فارسی (کشف الظنون - و تألیف سعید نفیسی) نگرینتم نامش را در آنها نیافتم و چنین برآمد کتابی است تازه یاب در ادب فارسی که می‌باید معرفی شود و به چاپ برسد و چون درین روزها به چاپ آن پرداخته‌ام مناسب دیده شد مختصری در معرفی آن که نامش نزهة العقول فی لطائف الفصول است گفته آید تا اهمیت مضامین و فواید زمانی و ادبی آن در مقدمه‌ای که بر متن چاپی خواهد آمد فعلاً در دست باشد.

متن کتاب در ۱۶۷ ورق است به قطع بزرگتر از رقعی و نزدیک به وزیری. جدول و عناوین در نسخه آنقدر که در حافظه‌ام مانده به سرخی است. در کنار صفحات، بعضی کلمات افتاده از متن یا اصلاح شده متن به همان خط کاتب اصلی نوشته شده است. نسخه ظاهراً کامل است ولی رقم پایانی و تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد، مگر آن گونه مطالب در ورق دیگری بوده است و آن برگ افتاده باشد. قدمت نسخه از قرن نهم هجری دورتر نیست، خط نسخه از برگ دوم موجود تعلیق نسخ مانند و نسبتاً درشت است، ولی خط صفحه نخستین (ورق اول پشت) آن ریزتر و در همان مایه و اسلوب است.

مقدمه این متن کهن سال یک صفحه است که پس از بسمله و عبارت عربی دعای خداوند چنین آغاز می‌شود: *ضعیفتر من خلقان ابوطاهر محمد محمد یحیی العوفی*^۲ *رزقة الله حیوة القلب فی الدارین می‌گوید که چون کتب غنیه الاوصاف و منیه الوصاف فراغ یافتم و از تألیف زبدة المعالی لابی^۳ المعالی که مشتمل است بر مکارم اخلاق و محاسن سیر برداختم و چند رساله دیگر که به سبب صغر حجم در اطراف خراسان و حدود جبال و نواحی هندوستان مشهورست ترتیب و تألیف یافته بود و هر یک به غرضی از اغراض دنیاوی منوط بود و به شایبه طبعی مشوب، و چون این داعی را فیض فضل حق سبحانه و تعالی در صغر سن و عتفوان شباب در فن تذکیر شهرتی داده بود... پس خواست که اهل آن را یادگاری گذارد و [به] جماعتی که درین شیوه تذکیر خوضی دارند خدمتی کند چهل فصل در چهل معنی برداخت و هر یک را به آیتی از آیات کتاب کریم و خبری از اخبار مهتر رحیم مشحون گردانید و این نسخه را و این تحفه را نزهة العقول فی لطائف الفصول نام کرد.*

اگرچه از اصحاب مناصب دنیاوی می‌خواستند که دیباچه این کتاب به اسم ایشان موشح باشد و لیکن چون غرض کلی رضای الهی بود و خزاین فضل او نامتناهی این مجموع را به اسم هیچ مخلوق نکردم و خاص از برای رضای خدای تعالی در قلم آوردم...»

JOURNÉES DE CODICOLOGIE
ET DE PALÉOGRAPHIE
DES MANUSCRITS DU MOYEN-ORIENT

PARIS, 15-17 juin 1994
Auditorium Colbert, 2 rue Vivienne



Bibliothèque nationale de France
École pratique des hautes études
Sciences Historiques et philologiques

Announcing
the relaunch of

The Journal of
Middle Eastern
Literatures

Edebiyat

Editors

JULE MESSAMI
University of Oxford
The Oriental Institute
Pusey Lane
Oxford OX1 2LE
UK

MICHAEL BEARD
Department of English
University of North Dakota
Box 7900
Grand Forks
North Dakota 58907
USA

ho dp harwood academic publishers
Amsterdam • Austin • Beijing • Bonn • Bombay • Hong Kong
Paris • Rome • Singapore • Stockholm • Taipei • Tokyo

ازین خطبه چند مطلب عاید می شود:

- مؤلف دو تألیف دیگر به نامهای غنیه الاوصاف و منیه الوصاف - زبدة المعالی لابی المعالی و چند رساله کوتاه داشته است.

- نام مؤلف محمد و نام پدرش نیز محمد و جدش یحیی بوده است. نسبت او بطور نزدیک به یقین عوفی است.

- مؤلف اهل وعظ و تذکیر بوده و نوشته هایش در خراسان و حدود جبال و نواحی هندوستان شناخته شده بوده است.

- مؤلف از صغر سن به فن مذکور پرداخته و در عنفوان شباب در آن رشته به شهرت رسیده بوده است.

- نزهة العقول چنانکه مؤلف گوید در چهل فصل است و هر فصل در مبحثی و فهرست چهل فصل در آغاز آمده. معانی مورد سخن مؤلف چنین است:

توبه - اخلاص - اعتراف - تقوی - خلق - ادب - امر معروف - امانت - شفقت - جود و سخا - علم - عدل - توحید - صلوة - قدرت - تواضع - کسب - یقین - تفکر - عفو - حلم - صبر - قناعت - صدق - توکل - عزلت - خوف و رجا - طلب حلال - نیت - وفا - حرص - غیبت - حسد - نمیت و سعایت - هوی - ریا - دنیا و مذمت او.

هر فصل با یکی دو آیه قرآن کریم و سپس حدیث آغاز می شود و پس از آوردن چند عبارت توصیفی و تعریفی درباره موضوع آن فصل که از یک ورق تجاوز نمی کند، دو حکایت و گاهی

یکی، از صحابه و اولیا و عرفا آورده می‌شود و معمولاً هریک به چند شعر عربی و فارسی آراسته شده است. نمونه این حکایت نقل می‌شود.

آورده‌اند که وقتی جماعتی از خراسان قصد بخارا کردند. چون مشام جان ایشان از بخار مشک علم بخارا معطر شده بود در طلب آن به خار طلب پای خود را مجروح کردند. چون به ماستی برسیدند - و آن دیهی است به یک فرسنگی بخارا - آنجا نزول کردند روستایی بود که زمین را شدیاری شیار می‌کرد.

باخود گفتند ما شنیده‌ایم که در بخارا هیچ روستایی از روشنایی حقیقت و شریعت بی‌بهره نیست. بیائید تا ازین مرد سؤال کنیم. پس یکی از ایشان به نزدیک آن مرد آمد که رحمک‌الله چه گویی کلمه لاله‌الاله را، از بنده‌ای تا عرش هیچ حجابی هست.

آن مرد گفت از بنده تا به عرش حجابها بسیارست و لکن نزدیکترین حجابی به ثواب تست. چون در وقت گفتن این، لب تو حجاب نمی‌کند معلوم می‌شود تا عرش خدای هم هیچ حجابی این کلمه نیابد.

تو خدایی شو اگر خود همه عالم دریاست به خدای ار سر مویی قدمت تر گردد سر آن راست درین دایره چوگان شکل که چو گوی از پی خدمت همه تن سر گردد این دو بیت در حکایتی از فصل چهارم (توکل) هم آمده است با چند تفاوت: «اگرچه عالم» (مصراع اول)، «به خدا گر سر» (مصراع دوم)، «سری آن راست» (مصراع سوم)، «گوی از سر» (مصراع چهارم).

این متن را به چاپ داده‌ام و تا چندماه دیگر به دست دوستداران خواهد رسید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها:

۱. این نسخه اکنون به کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی (قم) تعلق دارد و از دانشمند گرامی آقای دکتر سید محمود مرعشی سپاسگزارم که عکس نسخه را مرحمت کرده‌اند.

۲. کلمه نسبت کمی محو شده و نقطه روی فاء از میان رفته و به احتمال عوفی خوانده شد.

۳. اصل: لایبی.

۴. اصل: نواهی.

مجله‌ای است خاص تحقیقات در زمینه سرزمینهای خاورمیانه. این مجله اکنون چهارمین جلدش پس از دوره فترت درازی انتشار یافته است.

مدیران کنونیش ژولی میثمی Meisami J. استاد زبان فارسی در مؤسسه شرقشناسی دانشگاه اکسفورد و میکایل بیرد M. Beard استاد بخش زبان انگلیسی دانشگاه داکوتای شمالی و علاقه‌مند به ادبیات فارسی‌اند.

درین شماره مقاله‌ای از ویلیام هنوی درباره شعر فارسی درج شده است و همه مقالات مندرج درین شماره مرتبط با مباحث مربوط به شعرست و نوید داده‌اند که مندرجات شماره بعدی درباره سفرنامه‌نویسی در خاورمیانه خواهد بود.

ناشر کنونی این مجله Harwood Academic Publishers است (نیویورک). البته باید نکته‌ای هم گفت و آن این است که چرا مؤسس مجله تلفظ ترکی کلمه ادبیات را برگزیده است؟

مدال دنیس سینور D. Sinor برای پژوهشهای آسیای درونی

دنیس سینور از مورخان برجسته کنونی در تاریخ ملل آسیایی است. سالهایی در کمبریج بود و هموست که مجمع تاریخ‌نویسی ملل خاورمیانه را اداره کرد و مجموعه سخنرانی‌های آنجا را چاپ کرد و سالهای درازی است که مدیریت مجله آسیایی را عهده‌دارست و اکنون در پیرانه‌سر در راه مقاصد علمی خود گفته است هیأتی توسط انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان هر دو سال یک بار دانشمندی را که کارهایش در زمینه مطالعات مربوط به آسیا (قلب آسیا) برجستگی دارد معین کنند تا مدال طلایی به آن دانشمند اهدا شود. (Denis Sinor Medal for Inner Asia Studies) نخستین مدال در ۱۹ مه ۱۹۹۳ در شهر کمبریج (انگلستان) به سر هارولد بیلی زبان‌شناس و ایرانشناس نامور که خود نیز در روزگار پیرانه‌سری است اهدا شد.

در مراسمی که بدین کار ترتیب داده شده بود دکتر بیوار A. Bivar استاد فرهنگ ایران باستان و رییس انجمن پادشاهی آسیایی اشاره کرد که پرفسور دنیس سینور که این جایزه را بنیادگذارده از شخصیت‌هایی است که کمبریج خوب او را به یاد می‌آورد و گیرنده جایزه که سر هارولد بیلی است به یاد دارد سالی را که بیست و سومین کنگره بین‌المللی خاورشناسان درین شهر تشکیل شد (۱۹۵۴) و سینور از گردانندگان آن کنگره بود.

از سال ۱۹۳۰ انگلستان مقام مهمی در امور تحقیقاتی مربوط به قلب آسیا داشت. اکتشافات سر اورل اشتین و پژوهشهای ولادیمیر مینورسکی و والتر هنینگ که هر دو در کمبریج کار می‌کردند از آن زمره است و طبعاً آنچه بیلی کرده در دنبال آنها است.

بیوربه اهمیت خطابه‌های بیلی درباره جامعه پارسیان، تدریس زبان سنسکریت، خطابه‌های تحت

عنوان مسایل زردشتیان که گشاینده افقهای نو در زمینه زبان پهلوی بود، کتیبه‌های خروشتی، فرهنگ زبان ختنی اشاره کرد و نشان داد که بیلی شاپستگی دریافت چنان مدالی را با خدمات مهم و دراز علمی داشته است.

علی محمد ساکی

دوستان علی محمد ساکی درگذشت. او در دوره تحصیلات دانشگاهی دانشجوی دکتر منوچهر ستوده بود و از طریق او با هم دوست شدیم. مردی بود سلیم‌النفس، فرهنگ دوست و فاضل.

در سالهای اقامت و خدمت در موطن خود خرم‌آباد به نگارش و تألیف کتاب خوب «جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان» پرداخت و توفیق آن را یافت که با مقدمه منوچهر ستوده در سال ۱۳۴۳ منتشر شد. این کتاب سالهاست نایاب است و سزاوار است که میراث فرهنگی لرستان آن را (با موافقت ورثه) به یاد دانشمند از دست رفته چاپ کند.

پس از آن علاقمند به ترجمه کتابهای تاریخی و سفرنامه‌های مربوط به لرستان شد. از جمله سفرنامه فریا استارک را ترجمه کرد. آن هم چاپ شده است. سفرنامه ویلسن را هم ترجمه کرده بود و امید داشت که به چاپ برسد.

دامنه مطالعات او در باره لرستان موجب شد که سفرنامه چریکف را خواند و انتقادات و اصلاحات مفید بر آن نوشت. همچنین رستم‌التواریخ را به دیده نقد و سنجش به زیر ذره بین آورد و مقاله‌ای مفصل در باره آن نگاشت که اگر کسی دوباره رستم‌التواریخ را چاپ کند باید حتماً به اصلاحات و ملاحظات و انتقادات ساکی بنگرد تا دانسته شود که گزافه‌ها، دروغها و نادرستیهای رستم‌التواریخ در کجاست. مقالات او ارزش دارد که گردآوری و در مجموعه مستقلی به چاپ رسانیده شود.

ساکی عزیزمان درین چند سال اخیر دچار بیماری سخت و انیس بستر شد و دوستان از دیدار چهره محبوب و محبوبش محروم شده بودند. موقعی که درگذشت در تهران نبودم که قدماً به تشییع او بروم. با این چند کلمه قلماً هم نتوانسته‌ام نسبت به آن لر با صفا ادای احترام کرده باشم. خداوند روانش را شاد و همواره یادش را در میان ما پایدار دارد.